



• یک شنبه ۲۲ مهر ۱۳۹۷ • شماره ۱۱۶۱

#### حدیث‌روز

امام موسی کاظم(ع): کسی که هر روز خود را از زیایی نکند، از زمانیست.

#### الاختصاص

ذکر روز یک شنبه

صد مرتبه یا ذا الجلال والا کرام»

#### در محضر بزرگان

### اخلاق و دین و اسالت ملاک از دواج است

آیت ... سیستمانی درباره اهمیت تشکیل خانواده فرموده اند:

تشکیل خانواده و مایه انس و لذت انسان و موجب جذبیت در کار است و وقار و احساس مسئولیت را در پی دارد و سبب می شود تا انسان همه نیروی خود را برای روز نیازمندی به کار گیرد و او را از بسیاری از امور نامشروع و پست حفظ می کند... هیچ کس نباید برای ازدواج از فقر بترسد؛ زیرا خداوند سبحان بخشی از انگیزه های روزی را در ازدواج قرار داده که انسان در نگاه اول، آن را به حساب نمی آورد. هر یک از شما باید به اخلاقی و دین و اسالت کسی که با او ازدواج می کند، دقت داشته باشد و در توجه به زیبایی و ظاهر و شغل وی زیاده روی نکند؛ زیرا این موارد مایه فریفتگی است و هنگامی که زندگی چهره سختی و آزمایش خود را نشان می دهد، این پرده ها به سرعت کنار می رود.

**پایگاه رسمی آیت... سیستمانی**

#### غلط نویسیم

#### تپانچه یا طپانچه؟

گاهی تصور می شود استفاده از «ط» به جای «ت» در کلمات به آن ها اصالت و قدمت می دهد، مانند این کلمه، و لی این واژه در قدیم به معنای سیلی و ضربه به پا و کف دست بوده است و امروز به معنای سلاح آتشی کمری نیز به کار می رود و املا ی صحیح آن تپانچه است و نه طپانچه.

**بر گرفته از «غلط نویسیم» اثر ابوالحسن نجفی**

#### حکایت

### ارزش فقیر نوازی

یکی از صالحان، پادشاهی را در خواب در بهشت دید و پارسایی را در جهنم. از خدا پرسید: «در دنیا، مردم خلاف این موارد را معتقد بودند. همیشه پارسایان را بهشتی و پادشاهان را جهنمی می پنداشتند. نداءمد: «این پادشاه به واسطه فقیر نوازی در بهشت است و آن پارسا به واسطه تقرب به پادشاهان در جهنم.» حاجت به کلاه بزکی داشتنت نیست درویش صفت باش و کلاه تتری دار

**بر گرفته از: «گلستان» سعدی**

#### بریده کتاب

#### عاشق شدن

می خواهی از نگاه کردن به او فرار کنی. پس سعی می کنی با ورق زدن کتاب توی دستت یا با کشیدن خطوط نامفهوم روی تکه ای کاغذ خودت را سرگرم کنی، اما نمی توانی. پر هیز از نگاه کردن به کسی که شوق دیدنش کلافه ات کرده، در تردید میهمت را به یقینی روشن تبدیل می کنی: عاشق شده ای...

**بر گرفته از «چند روایت معتبر» اثر مصطفی مستور**

#### قرار مدار

### روز تومبه به مورچه ها به قول معروف: میازار موری که دانه کش است!

**امروز موقع راه رفتن مواس تون به مورچه ها باشه تا نافواسته پا روی اون ها نذارید...**

#### اندکی صبر

او که...

#### علیرضاروشن

مرانگاه می کند
او که به تاریکی خیره است
از من حرف می زند
او که سکوت کرده است



پذیرای داستان، ترسانک، سوتی، نعر، طرح، عکس و ایده های پلمز و چاپ شملت

مطلب خود را در پیرامون تلگرام به این شماره بفرستید: ۰۹۲۱۵۲۰۳۹۱۵

#### دنیا به روایت تصویر



**تلگراف | جشنواره ریش و سیبل، انگلستان**

#### بریده ها



### خاطرات پیک موتوری

#### تعهد اخلاقی

#### ناصر علیرضایی

یک روز با موتور سیکلتم در خیابان دنبال مسافر می گشتم، آقای میان سالی برایم دست تکان داد. ایستادم. گفت: «می خوام برم یک کافی نت، چند دقیقه ای کار دارم، بعدش هم من رو بر سونید محل کارم.» قبول کردم، سوار شد و راه افتادیم. چند خیابان آن طرف تریک کافی نت بود. مرد گفت: «چند دقیقه ای منتظر باشید، بر می گردم.»

هوا گرم بود و خیابان هم شلوغ. گشتم تایک سایه کوچک پیدا کردم، موتور را خاموش کردم و منتظر شدم. رفت و آمد مردم و ماشین ها را نگاه می کردم. حسابی سرگرم بودم که دستی به شانه ام خوردم، بعد هم صدایی آمرانه گفت: «حرکت کن موتوری» از جا پردیم. به ساعتم نگاه کردم، تقریباً نیم ساعت بود که آن جا ایستاده بودم و خبری از مسافر نبود. آرام آرام راه افتادم و رفتم جایی ایستادم که ممنوع نباشد و در ضمن اگر مسافرم آمد بتوانم ببینمش. خورشید مستقیم روی سرم می تابید و گرما کلافه ام کرده بود.

مدتی گذشت، دوباره به ساعتم نگاه کردم، دیدم حدود یک ساعت و نیم است که منظمم. پیش خوردم همه جور حدس و گمانی زدم، نیم ساعت دیگر هم صبر کردم، خیس عرق شده بودم که ناگهان مسافر م را دیدم که این طرف و آن طرف را نگاه می کرد و دنبال می گشت. صدا زدم. دوان دوان آمد و شروع کرد به عذر خواهی که: «آقا ببخشید... آقا شرمنده ام... من کلا شمارو فراموش کرده بودم، فکر نمی کردم هنوز این جا باشید، واقعا عذر خواهم...» گفتم: «اشکالی ندار...». انفاقه، پیش میاد. بنده خدا تعجبش از این بود که من بیشتر از دوساعت منتظر مانده و نرفته بودم. گفتم: «من اخلاق تعهد داشتم که شمارو به محل کارتون برسونم.» سوار شد و به مقصد رساندمش.

وقتی رسیدیم، بنده خدا دست کرد توی جیب هایش و دو برگ چک پول پنجاه هزار تومانی در آورد و به زور گذاشت توی جیبم. گفتم: «این خیلی زیاده!» جواب داد: «من هم اخلاق تعهد دارم این ناقابل رو به شما بدم.»

#### مسابقه چی میگه

#### یاها ها...

سلام. این بار یک عکس طبیعی- طبیعی برای مسابقه انتخاب کردیم، ببینیم چه می کنید! فراموش نکنید پیامک های بدون اسم، بی نمک و کلیشه ای در مسابقه شرکت داده نمی شن. **یاسادآوری روش**
**مسابقه:** باید برای این عکس یک شرح حال بامزه بنویسید و تا ساعت ۲۴ فردا شب (دوشنبه) برای ما به پیامک ۰۹۹۹۹۲۰۰ یا شماره ۰۹۲۱۵۲۰۳۹۱۵ در تلگرام بفرستید. ختمادر ابتدای هر پیامک، کلمه «چی شده؟ وقتی» و در آخر پیامک هم نام و نام خانوادگی تون رو بنویسید. بانمک ترین و خلاقانه ترین جمله های فرستاده شده، چهارشنبه به اسم خود نویسنده ها چاپ می شه. همیشه خوش باشید. حالا چند مثال:
\* وقتی ساعت ۸ روز اول دانشگاه میری سر کلاس و در حال خمیازه کشیدن استاد سر میرسه!
\* وقتی تو مهمونی می کنی: ده بچه میگن چه شعر ی تومهد کودکیاد گرفت ی اونم میزنه زیر آواز و باباش چار چنگولی می مونه!
\* وقتی با ناهارت سیر خوری و تو مترو هی خمیازه می کنشی!

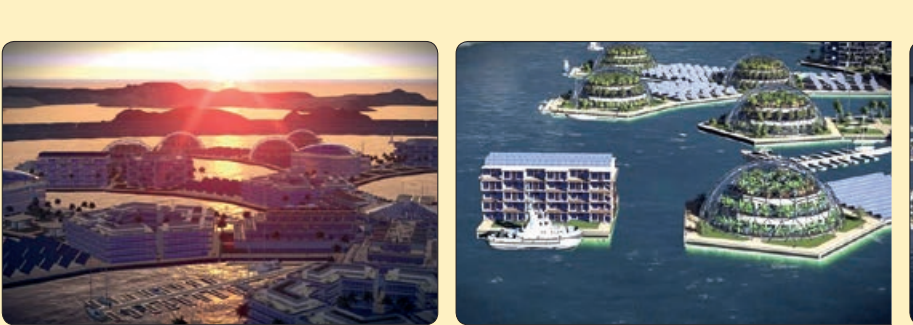
#### دیدنی ها

## با اولین شهر شناور دنیا آشنا شوید

در پی توافقاتی که با مسئولان جزایر پلی نزی فرانسه داشته است، قصد دار داین ایده را تا سال ۲۰۲۰ روی آقیانوس آرام اجرا کند. شهر های شناور، ایده ای نو برای پایه گذاری کشور های جدید است.



این شرکت از سال ۲۰۰۸ برای ساخت هر اینچ این به گفته رئیس شرکت، این شهر شناور در واقع شهر شناور بر نامه ریزی کرده است.



همچون یک شهر واقعی، این شهر دارای خانه ها، هتل ها، دفاتر، رستوران ها و... خواهد بود.



**گاردین | برگزاری مسابقه و مراسم سنتی برای برداشت محصول بیشتر، ویتنام**

#### تاپخند

- پول میدیم ماشین رو بیمه می کنیم که موقع تصادف ضرر نکنیم. بعد که تصادف می کنیم از جیب خسارت میدیم که از بیمه استفاده نشه، شامل تخفیف بشیم... زیبا نیست؟!
- تجربه ثابت کرده این که تو کار به کار کسی نداری، دلیل نمیشه که کسی کاری به کار تو نداشته باشه!
- دیروز رفتم بانک پرینت حسام رو بگیرم، طرف گفت حسابت دوسال بود گردش نداشت و خالی بود، توش بادمجون و کدو کاشتیم. امسال هم باغدار نمونه استان شدی!
- باستان شناس ها وقتی بخوان از یکی تعریف کنن، میگن استخون های قشنگی داری!
- مرتب کردن فایل های هارد و لپ تاپ این جوریه که اولش خیلی ذوق و شوق داری و کلی پوشه در ست می کنی، یکی یکی فایل میداری توش... ولی وسط هاش قاطی می کنی، چندتا فولدر به اسم یک تاده در ست می کنی و همه رو می ریزی اون جا و خلاص!
- خروس قیافه اش همیشه به جوریه که انگار فکر می کرده تو حسابش ۱۰۰ میلیون نقد هست، بعد الان کارت کشیده دستگا عدم موجودی کافی داده. متعجبیه کلا!
- تعویض روغنی که میری بعدش باید به مسافرت بری چند روزی تا حال و هوات عوض بشه، هزینه تعویض روغنی رو فراموش کنی!
- مهمج ترین مسابقه دوی مارا تن هر روز بین ساعت ۵:۵۵ تا ۷:۰۰ صبح از در ورودی شرکت تا دستگاه کارت زنی بر گزار میشه!

#### دور دنیا

### زندانی شدن به جرم چک کردن گوشی تلفن شوهر!



آدیتی سنترال- مردی از امارات متحده عربی که نخواست نامش فاش شود، از همسر خود به دلیل چک کردن همیشگی تلفن همراهش شکایت کرد و دادگاهی

در شهر «راس الخیمه» هم زن را به سه ماه زندان محکوم کرده است.

هر چند زن در دادگاه اعلام کرد که شوهرش رمز گوشی اش را به او داده و او بارها مج او را در حال چت کردن با زنان دیگر گرفته است، اما باز هم محکوم شناخته شد. شوهر اومی گوید وقتی خواب است، زنش تمام محتویات تلفن او را در گوشی خودش کپی می کند و حتی آن ها را برای فاشلینگ هم می فرستد!

#### عجیب ترین روش خواستگاری



آدیتی سنترال- مرد جوان فیلیپینی تصمیم گرفت برای این که دختر مورد علاقه اش را غافلگیر کند، به ترسناک ترین روش ممکن از او خواستگاری کند. او با همکاری

پلیس تر افیک، در وسط بزرگراه کنار موتورش، خودرو را به مرز ند و پلیس هم وانمود کرد که او بر اثر تصادف مرده است. دختر بیچاره

که در حال شیون و گریه و زاری بالای سر مرد جوان بود، هرگز فکرش را نمی کرد که او ناگهان صحیح و سالم جلویش را زبون ند و با انگشتی از او خواستگاری کند. ویدئوی این

خواستگاری این روزها ترند شبکه های اجتماعی شده است.

#### ترسانک

#### چرخه وحشت

- تازه از خواب بیدار شده بودم. از اتاقم اومدم بیرون و رفتم روی کاناپه و ولو شدم. همسرم تو آشپزخونه مشغول آشپزی بود. خواستم بهش بگم برام چای بپزه که دیدم روی میز جلوی کاناپه یک فنجنون چای داغ هست. صداردم: «خانم چایی رو برای خودت ریختی یا من؟» جواب داد: «کدوم چایی؟ مگه تو بیدار شدی؟» فنجنون رو سر کشیدم. چشم هام تاری شد و بهیوش با صورت افتادم روی میز. بیدار شدم. از اتاقم اومدم بیرون. رفتم روی کاناپه و ولو شدم. همسرم تو آشپزخونه مشغول بود. خواستم بهش بگم برام چای بپزه که دیدم روی میز جلوی کاناپه یک فنجنون چای داغ هست. انگار همه چی در حال تکرار بود. صداردم: «خانم چایی رو برای خودت ریختی یا من؟» جواب داد: «کدوم چایی؟ مگه تو بیدار شدی؟» خواستم فنجنون رو بردارم که یاد خواب چند لحظه قبلم افتادم. موبایلم زنگ زد. نگاه کردم از خونه خودمون بود. صداردم: «خانم چر اداری از خونه به موبایلم زنگ می زنی؟» گفت: «هodor روشن کردم، صداش زیاده نمی فهم چی میگه!» موبایلم رو جواب دادم، صدای مختی گفت: «چرا چایی که برات ریختم رو نمی خوری؟» با ترس قطع کردم، رفتم سیم تلفن خونه رو کشیدم که زنگ خونه به صدا دراومد، از چشمی نگاه کردم، خانم پشت در بود. خیلی ترسیدم آقای دکتر.

- چرا؟ یعنی اون یکی تو آشپزخونه رو خنمست بود؟

- نه، اون یکی پشت در خانم دومم بود...

- یعنی از اون روحی که به موبایلت زنگ دتر رسیدی؟

**سید مصطفی صابری**



**آسوشیند پرس | خرابی های ناشی از توفان، ایالات متحده**

#### تغال

بشد که یاد خوشش باد روز گار وصال
قرار و خواب: حافظ طمع مدارای دوست

#### دی روز نامه

### بهرام که گور زنده گیری می کرد، دیدی که چگونه شورش را در آورد؟

#### علیرضا کاردار | طنز بی داز

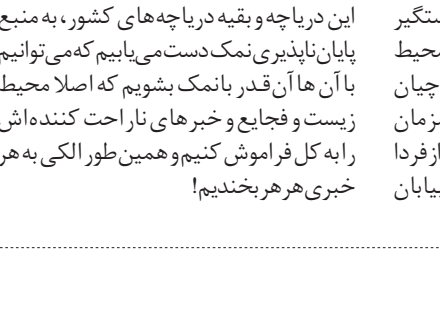
می گذاشتند تا از گیر فالوئر های مشتاق آن شکارچی هافار کنند. پس این خبر هم آن قدرها ناراحت کننده نیست!

خبر دیگر تصویری از یک جلسه اداری با حضور مدیران سازمانی بود که گویا برای حفظ محیط زیست دور هم جمع شده بودند و در پس زمینه عکس هم پوست و سر یک حیوان ببنواوری دیوار خوندنمایی می کرد. این جاهم به جای این که غر بز نیم که کاش در این جلسه دست کم برای حفظ آبرو و بستن دهان منتقدان هم که شده، آن ها را از دیوار برمی داشتند، باید خوشحال باشیم و تصور کنیم که آن را از شکار چپان غیر مجاز گرفته اند و امیدوار باشیم که آن شکار چپان هم دستگیر شده اند. دوست داشتید آن پوست و سر را روی دیوار

یکی از همان شکار چپان می دیدید، در حالی که مثل توی فیلم ها پیراهن و شلوار زر شکی سیکار برگ می کشدو ببیلیارد بازی می کند؟! و خبر آخر این که نماینده قم گفت: «دریاچه نمک در حال تبدیل شدن به بحرانی بدتر از دریاچه ارومیه است.» چرا باید از این خبر ناراحت بشویم؟ اگر به این فکر کنیم که با خشک شدن این دریاچه و بقیه دریاچه های کشور، به منبع با آن ها آن قدر بانمک بشویم که اصلا محیط زیست و فوایع و خبر های ناراحت کننده اش را به کل فراموش کنیم و همین الوکی به هر خبری هر خبر بخندیم!

#### سوتی سرا

#### فسقلی تک پا!



پسر م تازه به دنیا اومده بود و باید شب ها هر دوساعت به بار برای شیر دادن بیدار می شدم. یک شب که بیدار شده بودم و ففسقلی مون رو از جاش بلند کردم، دیدم یکی از پاچه های شلوارش خالی و آویزونه! وای سکته کردم... هی داد می زدم «مامان پاش نیست... داشت گریه می کردم و به سر و صورت می کوبیدم که پای بچه ام کنده شده که مامانم اومد و به دادم رسید. نگواش ده این قدر وول خورده بود که دوتا پاش رفته بود توی به پاچه شلوارش!

#### ماوشما

می کنه. اسمش ابوالفضل است. عاشقتم داداشی، ۲۹ مهر تولدت مبارک عزیزم.
\* می خواستم از این طریق از سوپر محل زندگی من تو فلاچی یعنی سوپر مهدی تشکر کنم که در این زمان نه احتکار و نه گران فروشی از ایشان دیدیم. به آرزوی موفقیت برای موهلطان خوب مون.
**مسعودی**

\* شما هم کفگیرتون خورده ته دیگ، فقط تبلیغات چاپ می کنید. **یک خواننده کنکوری**

\* تا تشکر از مطلب قاب جهان، خیلی خوب و دقیق نقاط مختلف جهان را به ما نشان می دهد.
سیاس از آقای دکتر مکارم.

\* ای دولت تدبیر و امید، ای غمخوار

\* کالاسیدی که دادی در اول کار حالا که شده قیمت شلغم به دلار

\* لطفی بنما و به سر سفره بیار

\* گفتم که روم قوطی یی خرم

دیدم که شده قیمت آن چارده هزار!

**یارمحمد خدنگی**

\* سه نقطه در باره دهقان فداکار خیلی خوب بود. واقعا دیدن نیست چند سال دیگه همین

بلا رو سر کتاب های درسی بیارن!

\* داداشم فقط ۱۷ سالشه و خیلی شاعور

و فهمیده است و خیلی به خانواده کمک

### آگهی مزایده ۹۷/۱

## واگذاری بهره برداری و نگه داری از جایگاه CNG شهرداری شیروان (نوبت اول)

شهرداری شیروان به استناد آئین نامه مالی شهرداری ها و بند ۱ صورت جلسه ۲۰۰ مورخ ۹۷/۰۷/۱۰ شورای اسلامی شهر شیروان در نظر دارد جایگاه پمپ گاز CNG واقع در انتهای خیابان پاسداران حاشیه کمربندی خاتم الانبیاء را به مدت یک سال برابر موارد مشروحه ذیل به شرکت های واجد شرایط واگذار نماید.

**❖ قیمت پایه : ماهیانه ۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال**

### شرایط شرکت در مزایده واگذاری استیجاری جایگاه پمپ گاز

۱- کلیه شرکتهای واجد شرایط باید دارای سابقه کار مفید، حداقل ۳ سال (با تایید محل کار قبلی) باشند.

۲- صلاحیت شرکت ها باید مورد تایید شرکت ملی پالایش و پخش فراورده های نفتی ایران و گاز خودرو باشد.

۳- مبلغ ضمانت نامه شرکت در مزایده ۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (ضمانت نامه بانکی یا نقدی به حساب سپرده ۰۹۰۰۳۷۵۰۱۰۶ بانک ملی شعبه شهرداری شیروان) تهیه نمایند و اصل آن را در پاکت در بسته قرار دهید.

۴- شهرداری در رد یا قبول هر یک از پیشنهادها مختار است.

۵- **مهلت اخذ اسناد**: از تاریخ ۹۷/۰۷/۲۲ تا پایان وقت اداری روز ۹۷/۰۸/۰۹ می باشد.

۶- مبلغ خرید اسناد مزایده ۵۰۰/۰۰۰ ریال می باشد که به حساب درآمد شماره ۰۶۰۰۵۱۳۴۲۰۰۰۶ بانک ملی شعبه شهرداری شیروان و اریز و فیش مربوطه ضمیمه اسناد گردد.

۷- **آخرین مهلت تحویل پیشنهادات به دبیر خانه**: تا پایان وقت اداری روز پنج شنبه تاریخ ۹۷/۰۸/۰۹ می باشد.

۸- سپرده نفرت اول تا سوم، تا انجام معامله قطعی نزد شهرداری باقی خواهد ماند و اگر چنانچه نفرت اول تا سوم از انجام معامله به هر دلیلی انصراف دهند سپرده آنها به ترتیب به نفع شهرداری ضبط خواهد شد.

۹- **جلسه بازگشایی پاکت ها**: روز یک شنبه مورخ ۹۷/۰۸/۱۳ ساعت ۱۰ صبح در محل شهرداری برگزار خواهد شد.

۱۰- مدت اعتبار پیشنهادات ۲ ماه می باشد و تا ۳ ماه دیگر قابل تمدید باشد.

۱۱- به پیشنهادات مخدوش، مبهم و مشروط، فاقد سپرده و یا پیشنهاداتی که بعد از موعد مقرر ارسال گردد، ترتیب اثر داده نخواهد شد.

۱۲- سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در فرم شرایط و اسناد مزایده مندرج است که متقاضیان می توانند جهت دریافت اسناد مزایده از تاریخ نشر این آگهی به آدرس خراسان شمالی- شیروان، شهرداری، امور قراردادها و پیمان ها مراجعه نمایند.

ضمناً شماره تماس ۰۵۸۳۶۲۲۸۹۳۸ جهت کسب اطلاعات بیشتر در اختیار متقاضیان می باشد.

### شاهرخ شاهرخی- شهردار شیروان